نسیم جنوب
www.nasimjonoob.com
سال بیست و سوم - شماره ۹۲۹ سه شنبه بیست و نهم مهر ۱۳۹۹ - ۴ صفحه ۱۰۰۰ تومان

فرماندار بوشهر:

ادامه فعالیت شورای شهر بوشهر با حضور اعضای علی البدل

۶ عضو شورای شهر بوشهر از فعالیت در شورا منع شدند

صفحه۲

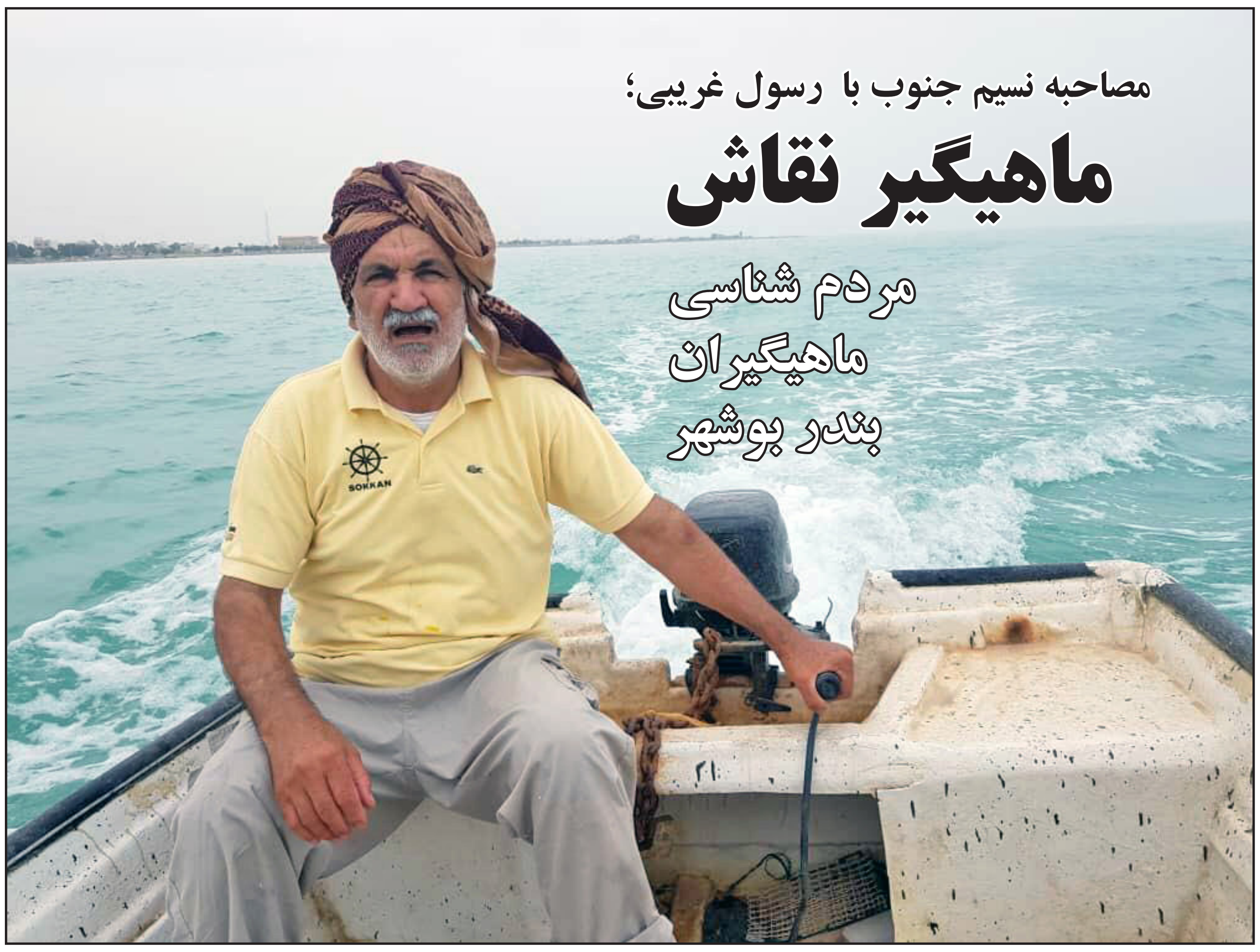
زنگ هشدار خودکشی های پی در پی در استان بوشهر

احمدرضا ونکی

صفحه۴

بیانیه جمعی از اعضای هیات علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر خطاب به روحانی:

حادثه ی غم انگیز پرپر شدن محمد، کودک دیری، یکی از پیامدهای شرایط نابسامان موجود کشور است



مصاحبه نسیم جنوب با رسول غریبی؛

ماهیگیر نقاش

مردم شناسی ماهیگیران بندر بوشهر

۲



تخلفات گسترده تشکیل شورای شهر بوشهر، باعث تضعیف سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی شد

دکتر علی پولادی

۳

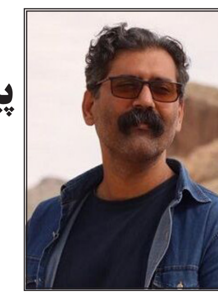


شکست توسعه ایران در مدل والرشتاین؛

چرا این قدر وابسته ایم؟

دکتر سجاد بهزادی

۳



شجریان؛ پیوند موسیقی، ادبیات و تاریخ...

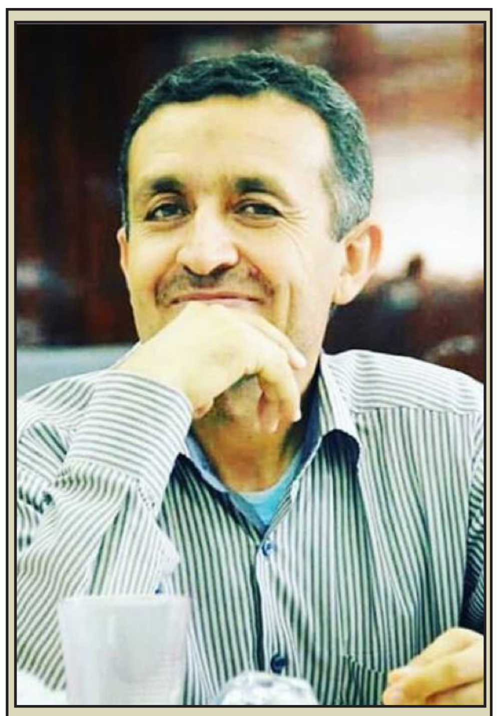
حماسه حق پرست

۳



تراژدی خودکشی کودک یازده ساله؛ مسئله ای فردی یا اجتماعی؟!

دکتر رسول هاشمی



متاسفانه نامجو زحمت کش خبرنگار بردخون و از فعالان رسانه ای استان بوشهر، بر اثر سانحه تصادف درگذشت.

درگذشت ناگهانی این خبرنگار دلسوز، فعال و متعهد به انعکاس مشکلات مردم را خدمت خانواده داغدارش و اصحاب رسانه تسلیت عرض می کنیم.

بی شک نام نیکش در مسئولیت پذیری و دغدغه اش برای پیگیری مشکلات و مسائل منطقه و مردم در یادها باقی خواهد ماند.

شادروان "نامجو زحمتکش" خبرنگاری مطالبه‌گر و با اخلاق

صفحه ۴

اعلان خطر ۲۶۴ تن از فعالین اجتماعی و فرهنگی و فرهنگیان استان بوشهر در پی خودکشی دانش‌آموز ۱۱ ساله‌ی اهل دیّر:

آیا در انتظار بیدارباشی گران‌تر از خودکشی کودکان ۱۱ ساله مانده‌ایم؟

«چه درد است این؟ چه درد است این؟ چه درد است؟
که در گلزار ما این فتنه کرده است؟
چه آفت راه این هامون گرفته است؟
چه دشت است این که خاکش خون گرفته است؟»

خبر کوتاه است و پردرد. دانش‌آموز ۱۱ ساله‌ی ساکن بندر دیر را رنج‌های ناشنیده‌اش چنان آزردند که وی مرگ را بر این زندگانی ترجیح داد.

اکنون که تقلایی بی‌مایه در جریان است برای اثبات این‌که این خودکشی بابت «عدم دسترسی به گوشی همراه مناسب» نبوده، باید گواهی داد که آری! صرفِ دسترسی نداشتن به تلفن همراه نیست که کودکی را به پرتگاه خودکشی می‌برد. بی‌پناهی، فقر و فلاکت، محرومیت از آموزش مناسب و نابرابری آن‌چنان دامن‌گیر شده که به‌سادگی نمی‌توان برای خودکشی یک کودک تنها از یک عامل سخن گفت. طرفه آن‌که پس از خودکشی این کودک هم، نهادها و اشخاص مسئول امنیت و آموزش او، به جای کوشش برای فهم زمینه‌های رنج عظیم سید محمد و پذیرش مسئولیت خودشان در این زمینه، تنها می‌کوشند تا با تکیه بر شواهدی نابسنده، ما را قانع کنند که خودکشی او «تقصیر آن‌ها نبوده است»!

فارغ از جزییات انگیزه‌ی خودکشی محمد 11 ساله – که البته بعید است بی‌ارتباط با محرومیت‌های آموزشی‌اش هم باشد – این خودکشی بیدارباشی رساست به بسیاری کسان. نخست مسئولین آموزش و پرورشی باید پاسخگو باشند که بدون فراهم کردن ابتدایی‌ترین مقدمات برای آموزش مجازی، با انگیزه‌هایی نامعلوم، اصرار بر برپایی مدارس دارند؛ آن هم در حالی که به گواه آمارهای رسمیِ خود این نهاد، چند میلیون دانش‌آموز در سراسر کشور – و چه بسا کهِ چند ده هزار دانش‌آموز در استان بوشهر– از امکانات تحصیل مجازی محروم‌اند و حتی بسیاری از آنان که به گوشی هوشمند دسترسی دارند نیز با اختلال‌ها و موانع بسیاری در بهره‌مندی از آموزش مناسب مواجه‌اند. چگونه است که مطابق قانون اساسی کشور «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی ملت تا پایان دوره‌ی متوسطه فراهم سازد» اما شیوه‌ی آموزش به گونه‌ای است که کثیری از دانش‌آموزان از امکانات آن محروم‌اند؟ سازمان عریض و طویل آموزش و پرورش، جز ظاهرسازی و وعده‌های بی‌رمق، چه طرحی برای دسترسی آسان و با کیفیت دانش‌آموزان فقیر، روستانشین و بدون امکانات به آموزش مجازی در سال تحصیلی جاری دارد؟ زندگی و تحصیل و امید چند دانش‌آموز باید فدای ظاهرسازی و بی‌عملی ما گردد؟



در دومین جایگاه – و فراتر از مسئولین آموزش و پرورش– صاحب منصبانی باید بر خود بلرزند که با سیاست‌گذاری‌ها و مشی‌شان، به نابرابری افسارگسیخته در کشور دامن زده‌اند. اگر مصرّانه می‌کوشید تا اثبات کنید «این خودکشی بابت نداشتن گوشی همراه نبوده»، آیا می‌توانید چشم بر فقر خانواده‌ی محمد و میلیون‌ها نفر از مردمی ببندید که در سیلاب نابرابری و تورم، فردایشان را بر باد رفته می‌بینند؟ آیا صداقتِ آن را دارید که آماری شفاف از وضعیت خودکشی کودکان و نوجوانان در استان و در کشور منتشر کنید؟ صرفِ خبر خودکشی کودکی فقیر و و دردمند چنان جان‌فرساست که همین خبر، و به تنهایی همین خبر، کافیست تا مسئولان لااقل به بی‌تدبیری و سوءمدیریت خود و زیردستانشان معترف شوند و از خود برای اداره‌ی امور و سیاست‌گذاری در مسائلی که با روح و جان مردمان سر و کار دارد سلب صلاحیت کنند.

و البته در این میان سازمان‌ها و ارگان‌های میانی مربوطه نیز باید بدانند که بدون شک حل اساسی معضل سید محمدها و خانواده‌هایشان جز با دگرگونی جدی در سیاست‌گذاری و ساختار نهادهایی چون سازمان بهزیستی، کمیته‌ی امداد، بنیاد مستضعفان، وزارت نفت (به طور خاص صنایع پارس جنوبی)، استانداری، فرمانداری و بسیاری سازمان‌ها و نهادهایی که قانوناً و عرفا متولی سلامت و رفاه و رشد مردمان‌اند، میسر نیست.

و سوم – و چه بسا مهم‌تر از همه - دست آخر این ما مردمانیم که باید برای زندگی خود در این روزگار فکری تازه در سر بپرورانیم. باید بیاموزیم با فقر مالی و محرومیت آموزشی که به اشکال مختلف بر ما و همشهریان و هم‌وطنانمان آوار می‌شود چگونه معامله‌ای کنیم. این روزگار پر درد و پرحادثه را نمی‌توان بدون برادری و از خود گذشتگی پیمود. باید برای نهاد آموزش کاری کرد. نهاد آموزشی که به جای بازشناسی سهم عظیم خود در نومیدی و سرخوردگی شدید کودکان و نوجوان شتابان می‌کوشد تا از خود سلب مسئولیت کند، چگونه می‌تواند نهادی باشد که سرنوشت فرزندانمان را به دست آن می‌سپاریم؟

برادران و خواهران و فرزندانمان در رنج و محرومیتی عظیم در حال سوختن‌اند و نمی‌توان تا ابد منتظر روز نامعلومی ماند که سرانجام نهادهای رسمی تکالیف خود را به درستی انجام دهند؛ اکنون، بیش و پیش از هرچیز، باید خود با بذل دارایی و عمر و روح و جان، دستی برای رهایی هم‌استانیها و هم‌شهریان‌مان از نومیدی و محرومیت در کار کنیم.

آیا در انتظار بیدارباشی گران‌تر از خودکشی کودکان 11 ساله مانده‌ایم؟

عبدالحمید آب‌آذر، علی آتشی، روزبه آموزگار، سجاد ابراهیمی، شهرزاد ابراهیمی، الیاس احمدحسینی، احسان احمدزاده، امیرارسلان ادیب‌قدس، صادق استوار، حسن اسفندیاری، حسین اسفندیاری، محمدرضا اسفندیاری، شهاب اسلام‌پور، سیده زینب اسلامی، سید مجتبی اسلامی، علی اسماعیل‌پور، ویرا اکبرزاده، حسین اکبرنژاد، میلاد اله‌یاری، مصطفی الیاس‌پور، رضا امیری، مهدیه امیری، ماندانا ایران‌پور، محمدرضا ایرانی، غلامرضا ایزدپناهی، جعفر ایزدپناه، فاطمه بارگاهی، عالی بازدار، حسن باغبانی، پدرام باقری، سارا باقری، حسین باقری، پرویز باورصاد، محمدحسین بحرانی، سعید بخشی، برنا بدخشان، حسین برازجانی، علی برزگر، حسینعلی برنس، نغمه بلالی، کاوه بنه‌گزی، اسد بهادری، مهدی بهرامی، الهام بهروزی، علی بیداری، حسین پاپری، مرصاد پنا، الهام پوربهی، الهام پورمحمد، ابوالفضل تشکری، ستاره تناور، سکینه تورباف، محمد ثانی، عباس جاودانی، داوود جباری‌فرد، سیدحسین جعفری، آزاده جلالی، محمود جمهیری، حسن جوکار، جواد جوکار، عادل چاپی‌پور، محمدمهدی حاجیانی، مرضیه حاجیونی، غزل حافظی، محمدصادق حدادان، اسماعیل حسام مقدم، فریبا حسین‌زاده، داوود حسینی، حسین حشمتی، ناصر حفظ‌الله، کاوه حق‌پرست، محمد کاظم حق‌شناس، مهدی حقیقی، محسن حلوایی، ماشاءالله حیدرزاده، عباس حیدری، کیوان حیدری، فخرالسادات خاتمی‌زاده، مصطفی خالق‌پور، احسان خائف‌پناه، مازیار خدابخشی، هدی خرم‌آبادی، شاهرخ خرمی، حسن خسروی، غلامحسین خسروی، حامد خضری، دانیال خلیلی، علیرضا خواجه، زهره خواجه‌ئیان، شریعت خواجه‌ئیان، عبدالرضا خواجه‌ئیان، غلامرضا خواجه‌ئیان، مهناز خواجه‌بیان، مریم خوئینی، محسن خیراندیش، مهران دامغانی، داود داودی، علی اصغر درلیک، احمد دریانورد، محمود دریانورد، اعظم دریسی، اسماعیل دشمن‌زیاری، حسین دهجان، امیر دهقان، نیلوفر دهقان، سرور دهقانی‌فرد، مهرنوش ذوالفقاری، ایمان راستیان، علی راستیان، سعید ربیعی، قدرت رحیمی، زهرا رستگارنیا، غلام رستم‌نژاد، رحیم رستمی، صادق رسولی، زهرا رضایی طرهانی، بهاره روایی، فرخ روزبهی، محمد زارع، شهاب زارعی، کیهان زمانی، مرتضی زندپور، محمدمهدی زنده‌باد، علی زنده‌بودی، سمیه زنگنه، موسی زنگنه، راحله ساجدی، احمد سبحانیان، هلنا سعادتمند، الناز سیداحمدی، احسان سیف بوشهری، اصغر سیف بوشهری، امین شجاعی، فاطمه شجاعی، مرضیه شرائین، محسن شریفیان، اکبر شکوه، شاکر شکیبا، سارا شهسواری، نعمت الله شیخ سقا، حسین صادقی، محسن صدیق، مسعود صفازاده، ابوالحسن صفرپور، یوسف صفری، آکا صفوی، علی اصغر صیانت، محمد امین صیانت، حسین طالب نژاد، روح اله طراوت، عابدین عابدی زاده، عباس عاشوری نژاد، غلامرضا عالی‌پور، فاطمه عباس‌زاده، بهرنگ عباسی، سمیه عباسی، احسان عبداللهی، احسان عبدی‌پور، مرضیه عزیزی، بهادر عشایری، حمید عشایری، راضیه عقیلی مهر، بهاران عمرانی، حمید عمرانی، زهره عمرانی، مرضیه غلامشاهی، محمد غمخوار، محمد فاتحی، سید رضا فاطمی، اسفندیار فتحی، باقر فرحی، امید فرهی، عبدالحسین فریدونی، عبدالرسول فریدونی، عبدالرضا فریدونی، بابک فقیه، خورشید فقیه، فوزیه فقیه، مهران فقیه، احمد فکراندیش، کاوه فهیمی، محمدجواد فولادی، محمدرضا فولادی، فرزاد فیاض، مختار فیاض، فاطمه فیروزپور، حسین قاسمی، کبری قاسمی، محمد قاسمی، میترا قانون، قاسم قائدی، احمد قائمی‌فرد، هدا قدرتی، آرش قدسی، رضا قدسی، محمد قدسی، حیدر کاشف، امین کرمی، حسن کرمی، رامین کرمی، ساره کرمی، مرضیه کرمی شعار، مریم کرمی شعار، محمد کرمی فرد، کرامت کشاورز، برنا کمالیان، پرویز کمالیان، قمر کندازی، جعفر کوهنشین، سیمین گره‌ای، الهام گنبدی‌پور، محمدامین گنبدی‌پور، ناصر گنبدی‌پور، نعمت‌الله گنبدی‌پور، نوید گنبدی‌پور، ابوالحسن گنخکی، حسن لاوری، طیبه لیراوی، حمیده ماحوزی، مسعود ماهینی، احسان مبارکی، امین مبینی، محمد محسنی، محمدعلی محسنی فرد، حسام محمد زهی، مصطفی محمدشاهی، آمنه محمدی، سیدضیا محمدی، باربد محمدیان، فرشید مرادی، مرضیه مرتب، آتنا مرکزی، سید ابراهیم مساوات، اسماعیل مسیح‌گل، احسان مصلح، شیما مفتخر، عادل مقدس، سروش ملاح‌زاده، مهرناز منصوری، سعیده مهدی‌زاده، مصطفی مهرآیین، خلیل موحد، وحید موحد، ایمان موذنی، حمید موذنی، سعید موذنی، صمد موذنی، مجید موذنی، وحید موذنی، حسام موسوی، سیدامیررضا موسوی، ایرج مومنی‌زاد، زهرا مؤیدی، مجید نصوری، غلامرضا نعمتی، رضا نکیسا، جواد نگهبان، احمد نیکان‌فر، فاضل ورزنده، ساناز هادی‌پور، سیدسجاد هاشمی‌نژاد، یزدانبخش هنری، رستم یزدان‌پناه.

هفتمین قهرمانی کشور برای فوتبال ساحلی پارس جنوبی

رضا سیاهوشی



" میهن دوست با شاگردان بومی خود توانست تیم فوتبال ساحلی پارس جنوبی را صاحب هفتمین عنوان قهرمانی نماید. "

این قهرمانی شیرمردان تیم فوتبال پارس جنوبی شیرین ترین، جذاب ترین و بهترین عنوانی بود که در شرایط سخت کرونای در ویترین افتخارات فوتبال استان بوشهر جای گرفت.

تیم فوتبال پارس جنوبی در این دوره از بازیها با بازیکنان بومی و همچنین سرمربی جوان با اخلاق و بومی خودکه اولین تجربه مسئولیت پذیری کادرفنی را به عهده داشت، دست به کار بسیار بزرگی زد.



اعتماد و حمایت مسئولان باشگاه به توانمندی محمدخان میهن دوست جوان و بادانش به درستی نتیجه داد و انتخاب بازیکنان جوان، بی ادعا اما بسیار مصمم و با انگیزه توسط سرمربی تیم باعث شد تیمی تاکتیکی، منسجم و مقتدر روانه مسابقات نمایند که در آخر با شایستگی هرچه تمامتر عنوان هفتمین قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ساحلی را به دست آورند و برگ زرینی دیگر در دفتر افتخارات فوتبال استان بوشهر و باشگاه پارس جنوبی رقم زنند.

فرماندار بوشهر:

ادامه فعالیت شورای شهر بوشهر با حضور اعضای علی البدل

۶ عضو شورای شهر بوشهر از فعالیت در شورا منع شدند

فرماندار بوشهر گفت: باتوجه به صدور قرار نظارت قضایی برای ۶ عضو شورای اسلامی شهر بوشهر، از اعضای علی البدل برای حضور در شورا دعوت می‌شود.
عباس جمشیدی در گفت و گو با ایرنا افزود: براساس قانون برای کسانی که قرار نظارت قضایی صادر می‌شود، فرد برای مدت یک سال از فعالیت در شغل مورد اتهام محروم می‌شود و با سپری شدن مراحل دادرسی، یا براعت فرد و یا منع تعقیب این قرار لغو می‌شود.
وی بیان کرد: براین اساس، اعضای شورای اسلامی شهر بوشهر که برای آنها قرار نظارت قضایی صادر شده از فعالیت شورایی منع می‌شوند اما می‌توانند در کار و حرفه قبلی خود فعالیت کنند.
جمشیدی ادامه داد: با توجه به اینکه براساس ماده هفت قانون شوراها هر گاه عضوی از اعضای شورا به هر دلیلی تا ۲ ماه در جلسه‌ها شرکت نکند عضو علی البدل جایگزین فرد غایب می‌شود در همین راستا در این شرایط جایگزینی اعضای علی البدل شورای شهر بوشهر پیگیری می‌شود.
فرماندار بوشهر گفت: براین اساس شورای شهر بوشهر ۶ عضو علی البدل دارد که یک نفر ازآن (صدرالله محمدی باغملایی) فوت شده و باید به صورت کتبی از پنج نفر دیگر برای حضور در شورا دعوت و آنها نیز باید نظر خود را در این خصوص به صورت کتبی اعلام کنند.
وی اضافه کرد: البته یکی از اعضای علی البدل در فضای مجازی اعلام کرده که در شورا حضور نمی‌یابد و این اقدام قابل قبول نیست و باید به صورت کتبی به فرمانداری اعلام شود.
فرماندار بوشهر یادآور شد: در این شرایط حتی اگر سه نفر از اعضای علی البدل موافقت خود را برای حضور در شورا اعلام کنند با سه نفر عضو اصلی باقی مانده، شورای شهر بوشهر رسمیت پیدا می‌کند براین اساس اگر چهار نفر از اعضای شورا به یک موضوع رای دهند آن موضوع قانونی و قابل اجرا است.
جمشیدی گفت: اما در غیر این صورت اگر اعضای البدل کمتر از سه نفر برای حضور در شورا اعلام آمادگی کنند و اعضا کمتر از پنج نفر باشند شورا در مسیر انحلال قرار می‌گیرد.
وی ادامه داد: با توجه به این که چهار نفر از اعضای علی البدل شورای شهر بوشهر تاکنون برای حضور در شورا و کمک در این شرایط سخت اعلام آمادگی کرده اند با سه نفر عضو ثابت باقی مانده شمار اعضا به هفت نفر می‌رسد و شورا رسمیت می‌یابد و تا پایان این دوره فعالیت شورا ادامه می‌یابد. با توجه به اعلام آمادگی چهار نفر از اعضای علی البدل شورای شهر انتظار می‌رود تا پایان مهرماه تکلیف شورا روشن شود.
براساس قانون هر شهر ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارای ۹ نفر عضو اصلی و ۶نفر عضو عل البدل است که از ۲۴ شهریور امسال و با شروع بازداشت اعضای شورای شهر بوشهر در خصوص یک پرونده مالی ادامه فعالیت اکثریت اعضای آن در هاله ای از ابهام قرار گرفت؛ با حکم قضایی، ۶ عضو شورای شهر بوشهر به منظور تحقیقات در اختیار اداره کل اطلاعات استان قرار گرفتند که تاکنون چهار عضو با قرار وثیقه آزاد شده و ۲ عضو دیگر هم چنان در بازداشت هستند.

شهردار جدید بوشهر:

بهترین اتفاق همدلی و همراهی است



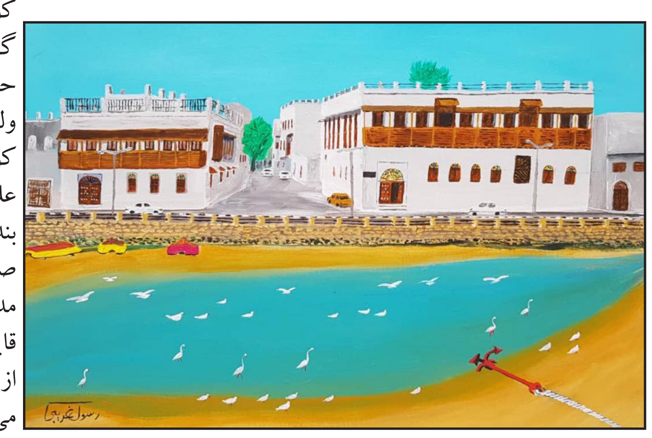
ایسنا/بوشهر شهردار بوشهر عنوان کرد: شهرداری‌ها هیچ‌وقت تعطیل نیستند و ما همواره، حتی پنج‌شنبه‌ها -که سایر ادارات تعطیل هستند- نیز در حال کار هستیم.
حسین صالحیان در آیین معارفه خود در سالن کوثر استانداری بوشهر گفت: بهترین اتفاق ممکن همدلی و همراهی است و خدمت به مردم افتخاری است که نصیب هر کسی نمی‌شود.
وی ادامه داد: امیدوارم در پایان مدت ماموریت خود در بوشهر و در این مدت ۱۰ یا ۱۱ ماه پیش رو، بتوانم گزارش خوبی از کارها و عملکرد خود به عنوان شهردار ارائه دهم.
شهردار جدید بندر بوشهر اظهار کرد: برای این که بتوانیم پروژه‌های نیمه‌تمام را به جمع‌بندی برسانیم نیازمند همراهی دستگاه‌ها و تعامل آنان هستیم.
صالحیان تصریح کرد: شهرداری‌ها هیچ وقت تعطیل نیستند و یقین بدانید که ما همواره در حال کار هستیم. خواهش من از دوستان و عزیزان دانشگاهی نیز همراهی و در کنار ما بودن برای ارائه یک مدیریت علمی است.
وی خاطرنشان کرد: امیدوارم خداوند کمک کند تا بتوانیم صادقانه خدمت کنیم و با اتکا به لطف خداوند و همکاری استاندار محترم و معاونین ایشان در آینده ای نزدیک شاهد تغییرات مثبتی به نفع مردم باشیم.

مصاحبه نسیم جنوب با رسول غریبی؛

ماهیگیر نقاش

مردم شناسی ماهیگیران بندر بوشهر

– خودتان را برای خوانندگان هفته نامه نسیم جنوب معرفی کنید.
– کوچک شما وهمه عزیزان عبدالرسول غریبی جاشویی از بوشهر و جفره ماهینی جد و پدر و پدر بزرگم در جفره ساکن و ماهیگیر بوده اند که اصالتا اهل تنگستان ساحلی هستند.
– اهالی جفره بندر بوشهر اصالتاً اهل کجا هستند و جفره ماهینی و جفره علیباش چه فرقی باهم دارند؟
– اهالی جفره یا ساکنین اولیه محیط مسکونی آن که در حاشیه ساحل نزدیک درب ورودی ساحلی نیروی هوایی یعنی دویست متری شمال عمارت ژرمنی ودقیقا در موقعیت فلکه ساحلی سکونت داشته اند ساکنین اولیه عرب های مهاجر از رودحله یا جزیره شمالی و تعداد کمی عرب اصالتا بحرینی بوده اند و یک خور طبیعی را که هم اکنون در مقابل ساحل همین نقطه قرار دارد بنام خور جفره که هنوز نیز لین قدما جفره به همین نام معروف است. مقارن با حکومت زندیه و ابتدای قاجار بعنوان محل سکونت خود انتخاب می کنند که به مرور به لحاظ شیوع بیماری های واگیر قحطی و خشک سالی و ایجاد اشتغال در بندر بوشهر، تنگسیرهای ساحلی در این نقطه غالب ساکنین را شکل می دهند و این محیط علاوه بر نقش بندری تبدیل به روستایی صیادی می شود. نقس بندری آن را ناخدا عزیزو یا عبدالعزیز ایفا می کرده که در شغل پایلوتی یا راهنمای کشتی غراب های ورودی به بندر بوشهر را با شناور بادبانی خود به کشتی منتقل شده و غراب ها را تا دهانه خور یا منطقه غوی هدایت می‌کرده، علاوه برآن در شمال جفره قدیم برج و کناره ای معروف به مناره عزیزو بوده که او با اخذ مقرری ماهانه و سوخت روغن آن از سوی شرکت بریتیش اندیا شب ها مشعل یا بویه و راهنمای دریایی این مناره را روشن نگه می داشت.

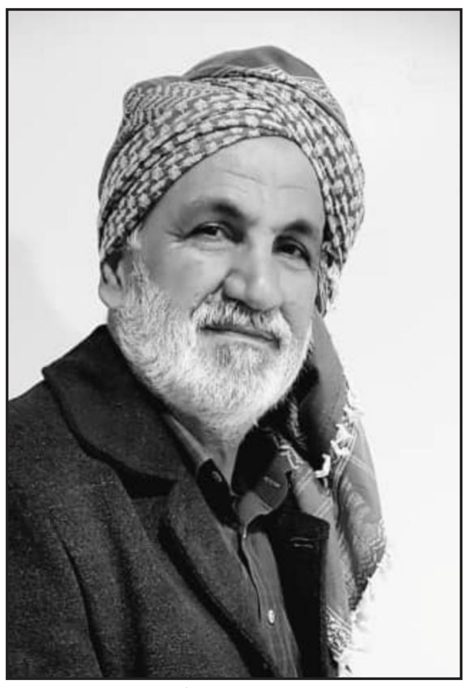




بعدها فرزندان مرحوم عزیزو نیز پایلوت کشتی در بندر امام و کویت شدند. غالب ساکنین جفره ماهیگیر بودند، جفره فعلی معروف به حسین آباد بود یا کوی ناخدا حسین جد بخشی از جفره ای های فعلی. در این رابطه سدید السلطنه کبابی در کتابش گزارشی از جفره قدیم دارد.
ساکنین جفره علیباش غالبا و اصالتا کشاورز زاده و مهاجرین از گورک هستند و در فاصله دور از ساحل در جنوب عمارت کازرونی و نزدیک کنسول هلند یا عمارت هلند آباد قرار داشت.
– تفاوت دو جفره در چه بود؟
– تفاوتش هم همین بوده که جفره ماهینی ها ماهیگیر و زندگی ساحلی داشتند ولی ساکنین جفره علیباش به لحاظ حرفه آبا اجدادی و زمین های مستعد برای کشاورزی در نیروی هوایی یا جفره علیباش اولیه به کشاورزی و نخل داری اشتغال داشتند.
– چرا به این مناطق جفره می گویند؟
– استنباط و شواهد و تحقیقی که در این رابطه داشتم، نام جفره ماهینی بر گرفته از خور جفره است که هنوز نیز ابن خور بین معمرین و نسل های فعلی به همین نام معروف است و اصولا در بین عرب ها خورهای در حاشیه صخور ساحلی که عمق مناسب پارک قایق را داشته باشند به همین نام معروفند حتی مشابه چنین خوری در بندر عسلویه به همین نام جفره وجود داشت در بحرین نیز محله ای ساحلی تحت نام جفره وجود دارد.
– اهالی جفره بیشتر ماهیگیر هستند و کمتر به سفر تجاری دریای می‌روند؟
– البته در گذشته بخشی از آنان سفر تجاری به کشورهای حاشیه خلیج فارس داستند و دارای شناور باری بودند، اما درست است و غالبا به لحاظ تجارب نسلی در حرفه ماهیگیری اشتغال دارند و حتی در گذشته و قبل از حادث شدن انقلاب دو تا سه ماه در کویت ماهیگیری تابستانه داشتند و سپس با خرید مایحتاج خانه و ادوات صید بر می گشتند.
– قدری درباره پدربزرگ و پدر و دیگر قدیمی های جفره بگویید که به چه کاری مشغول بودند و چه زندگی داشتند و چه خاطره‌ای از آنها دارید؟
– جفره ای های قدیم اشتغال مختلفی داشتند گرچه حرفه اصلی آنان ماهیگیری بود. مثلا در شمال جنوب جفره فعلی دریابیگی باغی داشته و یکی از اهالی جفره در باغ داری آن دخیل بودند. حتی در دوره گذشته قاجار و زندیه که بندر و تخلیه و بارگیری رونق داشته در تامین نیروی کار تخلیه بار و یا کارگری عمرانی احداث دیوار ساحلی بوشهر و کارخانجات نساجی و یا تجارت خارجی صادرات برنج و سیب زمینی و حتی میوه جات به بحرین از همین نقطه فعلی بندر که نیمه پناهگاه و خور بوده فعالیت داشته اند. البته بخشی از این حرفه آنان تابع تعطیلی فصول ماهیگیری بوده است یا مانند مرحوم غلامرضا غریب زاده (پدر جلال) که از ناخدایان قدیمی بود، در غواصی و صید مروارید در خارگ فعالیت داشتند و مردمی سخت کوش با جامعه ای یکدست در هم گرایی و مشارکت در زندگی و حرفه خود بودند. شاید باور نکنید ولی جفره ای ها آن قدر سخت کوش بودند که گله ماهی ها را علیرغم امکانات اولیه در صید، بندر به بندر تعقیب می کردند. در صید بهاره بخشی از آنان حتی برای مدتی کوتا محل سکونت خود را با قایق های بادبانی تغییر می دادند و از جفر تا بندر ریگ به تعقیب صید می رفتند و همان جا آمد و شد صید و فروش آن و سکونت مشابه ییلاق و قشلاق داشتند. قبل از مهاجرت گله های آبزی و رسیدن آنان به نواحی صیدگاه جفره در ابتدای صید، به حوالی بندر دلوار می رفتند و ساکن می شدند و محصولات صید خود را با گندم اهالی جاینک و چاه تلخ پایاپای مبادله می کردند و بدین صورت به زندگی شیرین و با مناعت طبع و عزت نفس خود ادامه می دادند.
– جریان دوستی ویژه فرماندار زند در زمان پهلوی با مردم جفره چیست؟
– خدا رحمت کند فرماندار زند که گویا از مقامات مورد غضب و تبعیدی در اخذ مقام حکومت پهلوی بود و نگاهی کارگر منشانه و زحمت کشانه داشت به جفره ای ها به لحاظ این سخت کوشی بسیار علاقمند بود به آنان احترام وافری قایل بود، جمعه ها به ساحل جفره می آمد و با تک تک ماهیگیران به گپ و گفت می پرداخت. اگر ژاندارمی ماهیگیران را اذیت می کرد سخت مورد تنبیه فرماندار زند قرار می گرفت. حتی او عید فطر بطور اختصاصی برای عید مبارکی به خانه ماهیگیران می آمد و با مردم جفر ه به لحاظ روحیات ورزشکاری و سخت کوشی علاقمندی ویژه داشت. فرماندار زند به لحاظ ورزش دوستی و علاقه مندی به جفره ای ها مسابقات دریایی پارو زنی و شنا برگزار می کرد و وقتی میدید جفره ای ها مقام اول کسب می کنند خیلی شوق و ذوق می کرد، گویی بچه های هم محل او کسب مقام اول را آورده اند.
– ویژگی های محلات ساحل نشین مثل جفره چیست؟



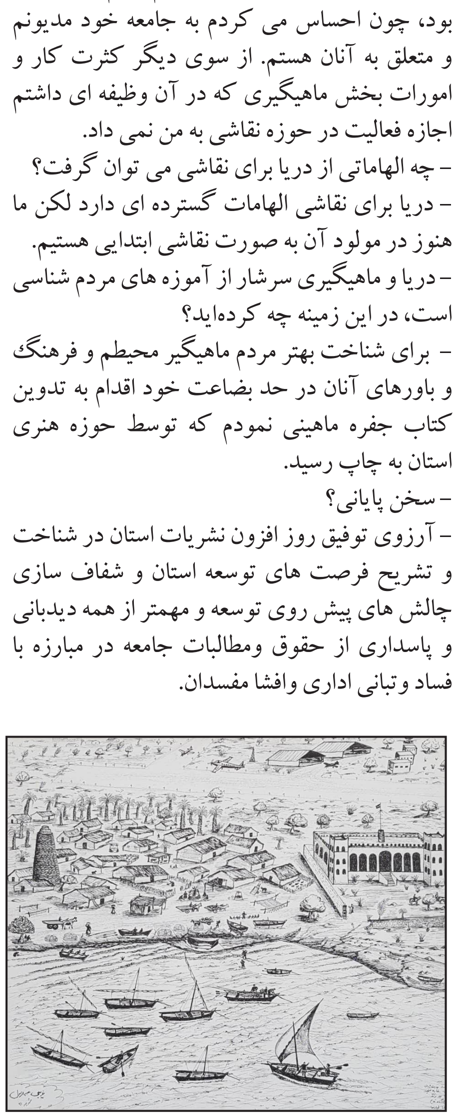
– ویژگی مثبت و منفی دارند چون در ساحل ساکن هستند انتخاب شغل پدری برای آنان سهل است ولی گاها فرزندان ساحل نشین به لحاظ همین ویژگی از رشد در بخشهای دیگر باز می مانند، چون ماهیگیری علیرغم صعب بودن آن نوعی گرایش تفریحی و گردشگری دارد و اگر در دام آن قرار گرفتی مانند کبوتر بازها ترکش سخت است.
– ماهیگیری در دریا یکی از سخت ترین کارهای و مشاغل هست لطفاً قدری در این باره توضیح دهید؟
– بله حرفه ای سخت و صعب است، فرسودگی سریع جسمی، استهلاک سخت بدنی در کنار آمادگی های جسمی، شرایط صعب و سخت کار با در یا و طبیعت بی قرار و خشمگین، موج و رطوبت، سرما و گرما و اشعه مادون قرمز دریا در امراض پوستی و کاهش بینایی آنان همیشه موثر بوده ولی جای تاسف است که این حرفه همچنان از مزیت های قانونی سختی کار محروم است.



– وضعیت زندگی اقتصادی ماهیگیران در طول دهه های گذشته چگونه بوده است؟
– واقعا علیرغم بحران های سخت اقتصادی و تحمیل تورم از قبل انقلاب کاملا متفاوت و بهتر شده است اما و اگر به میزان سختی و هزینه های استهلاک و سرمایه گذاری محاسبه کنیم رشد کاذب بوده هر چند به لحاظ فن آوری و رشد امکانات صید در جایگاه بهتری از گذشته قرار دارد ولی به قیمت بحران صید در آینده خواهد بود، چون ماهیگیران امروز از سهمیه نسل های بعدی می خورند و اداره می شوند نه ارتقا و رشد ذخیره و منابع دریایی.
– در کنار ماهیگیری شاهد روی آوردن شما به هنر نقاشی هستیم و تابلو های شما نیز در تهران به نمایش گذاشته شد، چه شد که به سمت نقاشی رفتید؟
– بنده به نقاشی در کنار رسم شرایط زیست و زندگی ماهیگیری گذشته که نسل های امروز ندیده اند، پر کردن اوقات بازنشستگی و استفاده از آن چه که معمولا به یک توانمندی و هنر ذاتی معروف است، روی آورده ام که در شرایط سنی بنده بسیار فرح



بخش و روحیه ساز است و اقناع روحی و نشاط مناسبی است. بله در تهران نمایشگاه برگزار کردم و اگر خدا عمری دهد با تابلوهای جدید تجدید می شود.
– بین ماهیگیری و نقاشی چه ارتباطی وجود دارد؟
– بین نقاشی و دریا ارتباط تنگاتنگی است چون دریا مملو از خاطره تصویری است که می تواند در قالب نقاشی ماندگار و مرسوم شود.
– سوژه های شما در نقاشی چه چیزهایی هستند و چگونه آنها را انتخاب می کنید؟
– تصاویر محیط زندگی گذشته و حال و زاییده خاطرات، اتفاقات دریایی، کاری و تراوشات ذهنی واقع شده و متغیر است و گاهی آفریده شده ذهنی به طور خاص.
– آیا دوره خاصی هم برای آموزش نقاشی گذرانده اید؟
– خیر دوره ای و آموزشی در نقاشی ندیده ام و گالری نیز تحت عنوان نقاشان خود آموخته بود.
– چرا این همه دیر به نقاشی رسیدید؟
– انتخاب مسیر کاریم در نقش پیش برد مطالبات اجتماعی صنفی جامعه محل زندگیم برایم در اولویت بود، چون احساس می کردم به جامعه خود مدیونم و متعلق به آنان هستم. از سوی دیگر کثرت کار و امورات بخش ماهیگیری که در آن وظیفه ای داشتم اجازه فعالیت در حوزه نقاشی به من نمی داد.
– چه الهاماتی از دریا برای نقاشی می توان گرفت؟
– دریا برای نقاشی الهامات گسترده ای دارد لکن ما هنوز در مولود آن به صورت نقاشی ابتدایی هستیم.
– دریا و ماهیگیری سرشار از آموزه های مردم شناسی است، در این زمینه چه کرده‌اید؟
– برای شناخت بهتر مردم ماهیگیر محیطم و فرهنگ و باورهای آنان در حد بضاعت خود اقدام به تدوین کتاب جفره ماهینی نمودم که توسط حوزه هنری استان به چاپ رسید.
– سخن پایانی؟
– آرزوی توفیق روز افزون نشریات استان در شناخت و تشریح فرصت های توسعه استان و شفاف سازی چالش های پیش روی توسعه و مهمتر از همه دیدبانی و پاسخداری از حقوق و مطالبات جامعه در مبارزه با فساد وتبانی اداری وافشا مفسدان.



انصراف اولین عضو علی البدل پنجمین انتخابات شورای شهر بوشهر از عضویت در شورا

تخلفات گسترده تشکیل شورای شهر بوشهر، باعث تضعیف سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی شد



دکتر علی پولادی ریشهری

مردم شریف و آگاه شهر بوشهر
باسلام و تقدیم احترام، باتوجه به این که در روزهای اخیر، زمزمه تغییر اعضای شورای شهر بوشهر و مبحث جایگزینی افراد علی‌البدل مطرح شده است؛ لازم دیدم که در این زمینه نکاتی را به طور خلاصه جهت تنویر افکار عمومی به عرض برسانم .
یکم) در آغاز باید به این نکته اشاره کنم که اینجانب شورای پنجم شهر بوشهر را برخاسته از تخلف دانسته که با تکیه بر زر و زور و تزویر شکل گرفته و فرآیند انتخابات آن با تخلفات گسترده، نادیده گرفتن قانون و بی‌توجهی به مبانی اولیه حقوق شهروندان همراه بوده است. اینجانب موضوع را از همان ابتدا اعلام کرده و بعد از انتخابات هم به همراه جمعی از نامزدها پیگیری کرده و اعتراض خود را در این زمینه اعلام داشته‌ام .
دوم) مسئولین و دست‌اندرکاران وقت انتخابات در برابر انبوه شواهد و مدارک عینی، زنده و مستدل همواره سکوت پیشه کردند و با رویکردی انفعالی و نادیده انگاری، حاضر به صیانت از آرا و دفاع مشروع معترضین ذیحق نشدند و با این تصمیم خود هم حقوق حقه‌ی نامزدهارا پایمال کردند و هم باعث بی‌تفاوتی، بی‌انگیزگی و تضعیف سرمایه‌های اجتماعی شدند و افزون بر آن، با تایید ره‌یافتگان، زمینه و بستر مناسب برای رخداد کاستی‌ها و بروز آسیب ها را فراهم کردند . حال آنکه به مدارک و شواهد معترضین توجه ای نداشتند !
دست اندرکاران ذی‌ربط انتخابات پنجم شورای شهر بوشهر در برابر جمیع مستندات، شواهد شاهدان، گواه برنگرها، اعتراف مجریان،دلسوزی نیک اندیشان، حقانیت معترضان و گزارش دستگاه‌های ذی‌ربط، با سکوت، ضعف و ناکارمدی از این رخداد شوم و کدر عبور کردند؛ غافل از این که این بی‌توجهی می‌تواند باعث هرز رفتن سرمایه‌های اجتماعی، افت مشارکت مردمی، به سخره گرفتن حقوق شهروندی و تزریق سم بی‌اعتمادی در شاکله جامعه گردد که پی‌آمدهای آن ناگوار است.
سوم) هیئت نظارت پنجمین انتخابات شورای شهر بوشهر، که وظیفه خطیر نظارت بر فرآیند انتخابات را از ابتدا تا انتها برعهده داشتند؛ با سهل انگاری، انفعال، غفلت و بی‌توجهی به حقوق مردم و معترضین، زمینه شکل‌گیری این شورای برخاسته از تخلف را فراهم کردند. اینجانب در آن زمان، بارها به همراه تعدادی از معترضین، موضوع را بطور مکتوب و حضوری در استان و کشور و از طریق مجامع قانونی مختلف پیگیری کردیم؛ اما با کمال تاسف، هیئت نظارت بوشهر نه تنها هیچ گامی در جهت احقاق حقوق معترضین برنداشت، بلکه با بی‌توجهی، نادیده‌گرفتن، عدم همکاری، مسئولیت ناپذیری، ریاکاری و در کمال تعجب، با تایید فرآیند انتخابات، بیشترین آسیب را به حقوق شهروندان و معترضین وارد ساخت .
چهارم) اینک، درپی رخداد حوادث اخیر در شورای شهر بوشهر و زمزمه جایگزینی اعضای علی‌البدل، اینجانب، از ابتدا این شورا را غیرقانونی و برخاسته از تخلف پنداشته و همواره با تکیه بر قانون، در صیانت از آرا مردم، دفاع از حقوق شهروندان، افشای ماهیت ریاکاران و تنویر افکار عمومی پای فشرده‌ام؛ حال چگونه می‌توان قدم در شورائی گذارد که شاکله‌ی آن، بر اساس تخلف شکل گرفته و نمودهای عینی آن آشکارتر شده است!
آیا حضور در این شورا، خیانت به آرا مردمی نیست که بنده و برخی دیگر با شعار دفاع از حقوق شهروندی آنان، مبارزه با رانت طلبی ورانت‌خواری، تحقق ظرفیت‌های انسانی، شکوفایی قابلیت‌های محلی، احقاق حقوق محرومان و نهادینه کردن سلامت رفتاری و اجتماعی، پای به این عرصه گذاشتیم ؟!
پنجم) باتوجه به جمیع جهات، اینجانب همچنان بر این باورم که حضور در شورای فعلی شهر بوشهر مغایر باصیانت از حقوق شهروندان بوده، در تضاد با باورهای خود دانسته و شورای فعلی را فاقد اعتبار و شأنیت می‌دانم؛ بنابراین، امکان حضورخود را در این شورا منتفی اعلام می دارم. در اینجا وظیفه خود می‌دانم که مراتب سپاس و امتنان قلبی خود را دگربار از همه شهروندان عزیز ونیک‌اندیش که با کرامت وبزرگواری خود، اینجانب را همواره مورد تفقد و مهرورزی قرار داده اند، ابراز دارم. امیدوارم در سایه الطاف حضرت حق همواره سلامت و پاینده باشید.

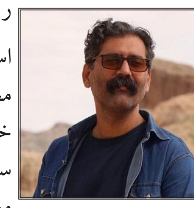
اجتماعی

شماره ۹۲۹ سه شنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۹

NASIM JANOUB

رییس انجمن موسیقی استان بوشهر:

شجریان؛ پیوند موسیقی، ادبیات و تاریخ...



رییس انجمن موسیقی استان بوشهر گفت: استاد محمدرضاشجریان علاوه بر خدمات ارزنده و حضور ستودنی خود در تاریخ هنرِ موسیقی ملی ایران و نقش آفرینیِ خلاقانه ی خود در موسیقی آوازی، پیوندی هنرمندانه و از روی شناخت و معرفت کامل بین ادبیات و شعر کلاسیک ایران و رویکردهای نوگرایانه ی شعر با بهره گیری از موسیقی و آواز ایجاد نمود. اگر چه تاکید بر نقش آهنگسازان و نغمه پردازان در این عرصه ،اجتناب ناپذیر می باشد.

حماسه حق پرست در گفت و گو با ایرنا افزود: جاودان یاد استاد شجریان در واقع یکی از تاثیرگذارترین و تاریخی ترین شخصیت‌های موسیقی و به ویژه موسیقی آوازی و آواز در فرهنگ و مجموعه و نظام موسیقی ردیف دستگاهی ایران است که برآمده وَ برآمدِ سال ها تلمذ و آموختن هزاران هزار نکته ی باریکترَ از مو در محضر بزرگان و اساتید وقت در پهندشت موسیقی ایران است.

اساتیدی همچون دکتر نورعلی برومند، غلامحسین بنان، غلامرضا دادبه، جلیل شهناز، فرامرز پایور و...از سویی و در دیگر سو نیز ژرف نگری در شنیدن و باز و بارهاخواندن و تجزیه و تحلیل آواز بزرگانی چون ظلی، طاهرزاده و جلال تاج اصفهانی و اقبال آذر و سایر بزرگان موسیقی آوازی در طول تاریخ این هنر است.

وی بیان کرد: شجریان یکی از ماندگارترین شخصیت هایی است که در تاریخ موسیقی نقش آفرین شده و علی رغم اینکه در خصوص موسیقی آوازی و اثربخش شدن در تاریخ آواز در موسیقی ایران، در بین مشتاقان و هنرجویان و هنرمندان و آهنگسازان بسیار تاثیرگذار واقع شد و روند و روال موسیقی آوازی را بسیار دقیق و آگاهانه دستخوش تغییر و تحولاتی ژرف و شگرف نموده است.

حق پرست ادامه داد: ساخت چندین و چند ساز مختلف در طول بیش از نیم قرن فعالیت از دیگر دستاوردهای استاد شجریان است. چرا که وی در همراهی چندین ساله ی خود با ارکسترهای مختلف پی برده بود می توان نیاز صوتی و رنگ آمیزی شنیداری را با طراحی و ساخت برخی از سازها را بخوبی تامین و جبران نمود و شاید همین نقصان و کاستی های صوتی به گفته ی استاد منجر و منتج به طراحی و ساخت سازهایی همچون شهنواز، صراحی و ساغر و بمساز گردید.

وی گفت: دستاورد بزرگ و ماندگار استاد شجریان این است که در موسیقی آوازی با خلاقیت و ابداعات خود، مقام و جایگاه دو چندانی به گنجینه ی موسیقی آوازی ایران زمین در سطح ملی و فراملی بخشید.

کسب جوایز معتبر هنریِ جهانی و بین المللی متعدد توسط ایشان، خود گواهی بر این سخن است که استاد توانسته بود هنر و هویت و اصالت موسیقی ایران را با صدا و آواز و شخصیت فرهنگی/ هنری خود به درستی و استادی هر چه تمامتر به جهانیان بازشناساند.

حماسه ی حق پرست اظهار کرد: همه ی این عوامل دست به دست هم داده تا در ارتباط با محمدرضا شجریان به چهره ای در تاریخ هنر ایران برخوریم که تکرار آن بسیار سخت و دشوار و قطعا و حتما نیازمند به طولِ تاریخ و گذشت سالیانِ سال در آینده خواهد بودچرا که شجریان در وادیِ هنرِ موسیقی شخصیتی است جامع و مانع !

بدین معنی که وی در موسیقی آوازی آن قدر کامل و جامع الاطراف است که جامعیت و جمعیت یک تاریخ و رونِد روزگارانِ رفته بر آواز است و همین خود مانعی است از تحریف بنیاد و بنیان های آوازی در موسیقی ایران...

رئیس انجمن موسیقی استان بوشهر گفت: یادمان باشد که همان گونه که استاد در همراهی با هنرمندان کانون چاوش و گروه هایی همچون عارف و شیدا و همراهی با بزرگانی چون؛ محمدرضالطفی و پرویز مشکاتیان و حسین علیزاده آثار فاخر و فخیم موسیقی را در برهه ای از زمان خلق می کنند، با ربنای خود نیز تمام قد به احترام و حرمت معتقدات و ایمان قلبی مردمان سرزمین خود، از جای بر می خیزد و به احترام ملت خود می ایستد.

وی افزود: شجریان در فرهنگ و تاریخ موسیقی تمام و کمال کار خود را دنبال نمود و همواره به عنوان چهره ای ماندگار در موسیقی آوازی خواهد بود و چون دُرِ یگانه ای خواهد درخشید.

حق پرست اظهار کرد: شجریان به واسطه ی خدمت شایسته و بایسته‌ای که به موسیقی ایران ارائه نمود به ادبیات ایران نیز خدمتی سترگ ارائه داد و پلی تاریخی هنری و در واقع موسیقایی و آوازی بین ادبیات و اشعار کلاسیک و نوپردازان ادبیات معاصر ایران بود. آن چنان که با انتخاب و خوانش و آواز اشعار شاعرانی همچون سعدی و حافظ، مولوی، خیام و عراقی و... از طرفی رویکردی دیگر به نیما یوشیج و مهدی اخوان ثالث را در آواز ارایه می دهد که این پیوند و هموند نمودن بیش از پیش ادبیات و موسیقی در تاریخ فرهنگ و هنر ایران است.

شناخت دقیق و انتخاب و گزینش اشعار منطبق با درون مایه موسیقی و دستگاه و گوشه ای که استاد برای آواز مورد نظر به اجرا می گذاشت نشان از اشراف و تسلط بلابحث ایشان در درک و دریافت بیش از نیم قرن تلاش و کوشش و حضور بی درنگ و بی وقفه ی این چهره ی ماندگار موسیقی ایران است.

مصاحبه با حسین غریبی، مترجم جوان بوشهری:

سعی می‌کنم در حوزۀ مورد علاقۀ خودم ترجمه را ادامه دهم

– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم معرفی کنید.

– حسین غریبی هستم، متولد ۱۳۶۹ و فارغ‌التحصیل کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه خلیج فارس.

– به تازگی کتابی از شما ترجمه شده است لطفاً درباره این کتاب توضیح دهید.

– کتاب «شمشیر در سنگ» اثر تی.اچ.وایت نویسندۀ انگلیسی است. این رمان اولین بار در سال ۱۹۳۸ میلادی منتشر شد و موفقیت آن باعث شد نویسنده سه دنباله برای آن بنویسد. داستان کتاب در قرون وسطی اتفاق می‌افتد و دربارۀ کودکی به نام آرتور است که تحت نظر پیرمرد جادوگری به نام مرلین آموزش می‌بیند تا در آینده پادشاه انگلستان شود، ولی خودش از این موضوع بی‌خبر است. به‌طورکلی، این اثر کمدی، ماجراجویی و فانتزی است، اما به دلیل ویرایش‌هایی که نویسنده بیست سال بعد و پس از جنگ جهانی دوم روی آن انجام داده، در بعضی فصل‌ها حال و هوایی جدی‌تر و ضدجنگ و سیاسی پیدا می‌کند و گاه به طبیعت انسان هم می‌پردازد.

– آیا قبلاً نیز اقدام به ترجمه کتاب کرده‌اید؟

– خیر، این اولینِ کتابی است که با ترجمۀ من چاپ می‌شود. البته قبلاً یک رمان، یک نمایش‌نامه و چند داستان کوتاه را به‌صورت مشترک با همکارانی ترجمه کرده‌ام، اما همۀ این‌ها به‌صورت الکترونیکی و رایگان منتشر شده‌اند.

– زبان انگلیسی را چگونه آموخته اید و چه مراحلی را تا آماده شدن برای ترجمه کتاب طی کرده اید؟

– زبان انگلیسی را به‌صورت تجربی یاد گرفتم و حدوداً پانزده سالی است که در حوزه‌های مختلف ترجمه می‌کنم. یعنی ترجمه را اصولی و به طور علمی یاد نگرفته بودم. اما اخیراً که در رشتۀ زبان و ادبیات انگلیسی تحصیل کردم، با راهنمایی‌های اساتیدم نگرشم به این موضوع کمی متفاوت‌تر و اصولی‌تر شد. قطعاً تحصیل در رشتۀ ترجمه می‌تواند از این هم مفیدتر باشد.

– چه شد که به ترجمه کتاب علاقه مند شدید؟

– مسلماً پیش از هر چیز باید به خواندن کتاب علاقه داشت. من به ادبیات داستانی علاقۀ زیادی داشتم. بعد از آن هم، به زبان انگلیسی علاقه‌مند شدم و ترجمه را در حوزه‌های خبری مربوط به کتاب‌ها و آثار سینمایی فانتزی شروع کردم. طبعاً علاقه به حوزه فانتزی بود که باعث شد دست به ترجمه کتاب بزنم و اگر به این داستان‌ها علاقه نداشته باشم، نه می‌توانم ترجمه را به پایان برسانم و نه می‌توانم ترجمه قابل‌قبولی ارائه کنم.

– کتاب های مورد علاقه خود برای ترجمه راچگونه انتخاب می کنید؟

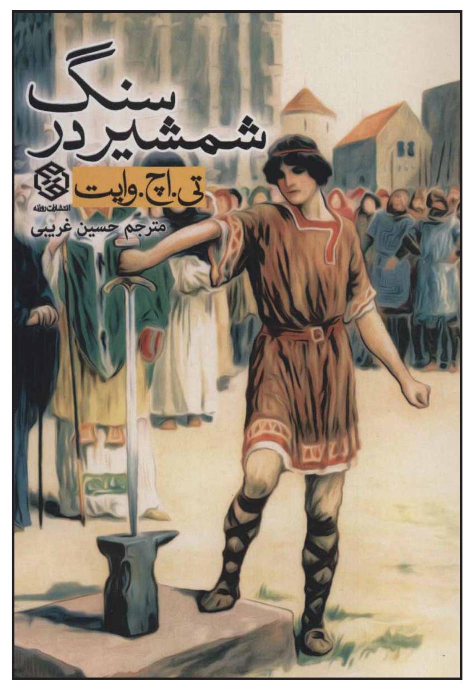
– انتخاب کتاب را با توجه به ژانر و نویسندۀ اثر انجام می‌دهم. برای مثلاً کتاب «شمشیر در سنگ» حوزۀ فانتزی جزء آثار کلاسیک است و نویسندگان زیادی از آن الهام گرفته‌اند. یکی از این نویسنده‌ها، خانم جی. کی.رولینگ است که من به‌واسطۀ مجموعه کتاب‌های هری پاتر آثارش را دنبال می‌کنم.

– آیا در این زمینه باکسی مشورت هم می کنید؟

– مطمئناً برای کسانی که به‌طور حرفه‌ای در حوزۀ ترجمۀ کتاب مشغول به فعالیت هستند، مشورت‌هایی لازم است. چراکه باید به جوانب زیادی هم چون استقبال مخاطبان، ذائقۀ خوانندگان ایرانی و امکان ترجمه و انتشار توجه کنند. اما من این کار را از روی علاقه انجام دادم و هدف مالی جدی نداشتم. فقط می‌دانستم خیلی از نوجوانان و جوانان هستند که مثل من به این دسته کتاب‌ها علاقه‌مند هستند و با این کار، مطالعۀ این کتاب ارزشمند را برای آن‌ها ممکن می‌کنم.

– چرا به ادبیات داستانی نوجوانان علاقه مند شد؟

– علاقۀ من به ادبیات داستانی نوجوانان منحصر نمی‌شود؛ به طورکلی ادبیات داستانی را دوست دارم. اما به ادبیات فانتزی بیشتر علاقه دارم، علتش این است که اتفاقات آن‌ها، هرچه قدر هم که در دنیای خیالی باشد، به دنیای ما مربوط است و به دلیل همین توازی دنیاها، می‌توانیم از این داستان‌ها درس زندگی بگیریم. اصولاً مطالعۀ این کتاب‌ها، فراری موقت از دنیای فعلی است و به نظرم این رفت‌وبرگشت باعث می‌شود دید بهتری نسبت به این دنیا داشته باشیم.



– آیا در این زمینه مطالعاتی هم دارید؟

– در زمینۀ ترجمه، آموزش اصولی و ویژه‌ای را نگذرانده‌ام. تجربۀ من خلاصه می‌شود به بخشی از تحصیلات دانشگاهی که به ترجمۀ ادبی، ادبیات، زبان‌شناسی و غیره اختصاص یافته بود، کتاب‌های که از کودکی خوانده‌ام و شاید کمک کرده باشند تسلطم بر زبان مقصد ضعیف نباشد و این پانزده سالی که به شکل تجربی مشغول ترجمۀ آثار کتبی، سمعی و بصری بوده‌ام.

– در راه ترجمه و انتشار این کتاب چه کسانی به شما کمک و همراهی نمودند؟

– با این که خوانندگان اصلی «شمشیر در سنگ» نوجوانان و جوانان هستند، این رمان متن ثقیلی دارد و من در ترجمه سعی کردم این پیچیدگی‌ها را حفظ کنم. به همین دلیل، برای پیدا کردن بعضی معادل‌ها و بهبود و ویرایش متن گاهی از دوستانم کمک گرفتم. برای انتشار کتاب، به انتشارات روزنه، ناشر مجموعۀ «ارباب حلقه‌ها» در ایران، مراجعه کردم و مدیر مجموعه آقای سید علیرضا بهشتی شیرازی محبت کردند و چاپ و انتشار کتاب را قبول کردند. جا دارد همین‌جا از همۀ این عزیزان تشکر کنم.

– در زمینه کار ترجمه هم اکنون به چه کاری مشغول هستید و آیا برنامه برای ترجمه جدید دارید؟

– به تازگی ترجمۀ کتاب «ایکاباگ» اثر جی. کی. رولینگ را به اتمام رسانده‌ام که داستانی به‌ظاهر کودکانه اما تمثیلی است و فعلاً در مرحله مجوز و مراحل پیش از چاپ قرار دارد.

– در این زمینه چه کسانی مشوق شما بودند؟

– قطعاً بیشترین تشویق را پدر و مادرم با حمایت‌های خود کرده‌اند و بعد از آن، تمام کسانی که ترجمه‌های قبلی مرا در حوزه‌های دیگر خوانده‌اند و از طرق مختلف نظر لطف خود را به من رسانده‌اند.

– استقبال از این کتاب چگونه بوده و چه انتظاری دارید؟

– این کتاب جزء آثاری بود که با وجود محبوبیت زیاد در کشورهای دیگر، متأسفانه در ایران مورد بی‌مهری قرار گرفته بود. یکی از دلایلش این است که ترجمۀ بعضی از قسمت‌های آن دشوار بود. دلیل دوم هم به نظرم بازار آشفتۀ کتاب است. این روزها به‌تبع سلیقۀ مردم، اقبال اکثر ناشران به آثار پرفروش و مطرح خارجی و ترجمۀ چند بارۀ آثار کلاسیک مشهور است. از طرف دیگر، هر روز سرانۀ مطالعه در کشور کمتر می‌شود و مردم به‌جای کتاب‌خوانی، در موبایل‌ها و شبکه‌های اجتماعی مشغول تماشا یا مطالعۀ محتواهای سرگرم‌کننده و دم‌دستی هستند؛ اما علاوه بر نسل قبلی که با کتاب آشنا بوده‌اند، هستند کودکان، نوجوانان و جوانانی که در خانواده‌های کتاب دوست پرورش یافته‌اند و علاقه‌مند به کتاب و کتاب‌خوانی و به خصوص آثار فانتزی هستند.

– چه برنامه درازمدتی در زمینه ترجمه برای خودتان متصور هستید؟

– مطمئناً در کشور ما با قوانین ضعیفی که در حوزۀ حقوق نشر و تألیف وجود دارد، ترجمه برای اکثر مترجم‌ها نمی‌تواند شغل اول تلقی شود. بنابراین سعی می‌کنم هر وقت فرصتی بود در حوزۀ موردعلاقۀ خودم ترجمه را ادامه دهم.

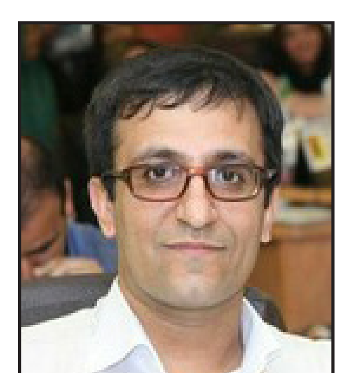
– سخن پایانی؟

– در پایان از شما و دست‌اندرکاران هفته‌نامۀ وزین نسیم جنوب تشکر می‌کنم که این فرصت را به من دادید.

شکست توسعه ایران در مدل والرشتاین؛

چرا این قدر وابسته ایم؟

دکتر سجاد بهزادی



در بسیاری از موارد، مبانی تصمیم سازی در نظام توسعه کشور ما نیز متاثر از نوع تفکر امانوئل والرشتاین بوده است. برنامه ریزان حوزه توسعه کشور با تکیه بر نظریه"نظام جهانی" والرشتاین و با این استدلال که کشورهای مرکزی و قدرتمند به دنبال استثمار کشورهای ضعیف هستند؛ با شعار استقلال خواهی، توسعه کشور را منهای کشورهای قدرتمندی چون آمریکا برنامه ریزی کرده اند و بازکردن درهای کشور به روی کشورهای قدرتمندی مانند آمریکا را به معنای غارت ثروت، منابع و مازاد اقتصادی کشور می دانند.

امانوئل والرشتاین آمریکایی هم متاثر از دیدگاه‌های مارکسیستی بود و هم تحت تاثیر نظریه وابستگی قرار داشت. او که از متفکران سوسیالیست قرن ۲۱ بود، در زمان حیات یک بار نیز به دعوت انجمن جامعه شناسی به ایران سفر کرد.

امانوئل والِرشتاین (Immanuel Wallerstein) (زاده ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۰ در شهر نیویورک – درگذشته ۳۱ اوت ۲۰۱۹)، جامعه‌شناس و متفکر چپ‌گرای آمریکایی و از بزرگ‌ترین متفکران سوسیالیست قرن ۲۱ .

بر اساس این مدل از توسعه؛ قطع ارتباط با بسیاری ازقدرت های جهانی تئوریزه می شود و وضعیت توسعه کشور همانی می شود که اکنون شاهد هستیم. ؛ چرا این قدر وابسته ایم.

والرشتاین اعتقاد داشت کشورهای مرکز که به لحاظ علمی، صنعتی، تکنولوژیک، نظامی و از نظر ثروت و قدرت جزو برترین و پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی و ثروتمندترین و قدرتمندترین دولت‌ها و نظام‌های سیاسی در سطح جهان محسوب می‌شوند به استثمار و غارت منابع و مواد خام کشورهای واقع در مناطق حاشیه و پیرامونی، یعنی همان کشورهای توسعه‌نیافته می‌پردازند.

این رویکرد همچنان رویکرد غالب توسعه کشور است. بر اساس این مدل از توسعه؛ قطع ارتباط با بسیاری ازقدرت های جهانی تئوریزه می شود و وضعیت توسعه کشور همانی می شود که اکنون شاهد هستیم. همراه با کشور ما، کشور کره شمالی نیز رویکرد مبارزه با امپریالیسم و به نوعی مرکز– پیرامون والرشتاینی را سرلوحه سیاست‌ورزی خود قرار داده است و لذا وضعیت توسعه آن سامان نیز روشن است. وضعیت کشورهای مشابه دیگری نیز که مسیر توسعه مشابه ای داشته اند نشان می دهد، رویکردی که کشورها را به الگوی والرشتاین نزدیک می کند رویکردی ناموفق و حتی خطرناک است و به دنبال این رویکرد فرصت های زیادی از دست می رود. کشور ایران که بعد از کره شمالی در این نوع از توسعه پیشرو است اکنون پیش چشم ماست.

در حالی که طبق جدید ترین آمار بانک جهانی، نرخ فقر در میان شهروندان امارات (کشور همسایه ایران با رویکرد توسعه ای بسیار متفاوت با ایران) صفر است و در این کشور هیچ فقیری وجود ندارد؛ این نرخ در ایران بسیار بالاست و شاخص شکاف فقر در بدترین وضعیت خود قرار دارد. در خود آمریکا نیز طبق آمار بانک جهانی، نرخ فقر یک دهم درصد و شاخص شکاف فقر هم تنها نه دهم درصد اعلام شده است.



فکر می کنیم رابطه با چین و روسیه؛ می تواند بعنوان ضربه‌گیر تحریم ها برای ما عمل کند اما دیدیم که چنین نشد و روابط مشترک بین ما با این دو کشور انگیزه آنها در کمک اقتصادی به ایران را بالا نبرد

پرسش سخت و رازآلود این است که اگر ما خود این نوع الگوی توسعه را بر اساس ایدئولوژی نظام و با هدف قطع وابستگی به قدرت های جهانی و کشورهای مرکز انتخاب کردیم و حاصل آن نیز طبق همه شواهد و آمارهای رسمی تا کنون ناموفق بوده است ؛ چرا وابستگی ما به این قدرت ها بعد از ۴۰ سال بیش‌تر شده است؟

تصمیم گیران توسعه کشور آن‌قدر که تعداد روزهای باقی‌مانده تا ریاست جمهوری جدید آمریکا را می‌شمارند هرگز به وضعیت داخلی توجه نمی کنند؛ و این امر نشان می دهد این سیستم بر خلاف ادعایش در مدل توسعه والرشتاین یکی از وابسته‌ترین سیستم های جهان به آمریکاست!

حتی امروز را وقتی با چند سال پیش مقایسه می‌کنیم می‌بینیم چقدر تاثیر تصمیمات آمریکا، یا روسیه یا چین بر زندگی ما ایرانیان شدیدتر شده است و پایداری توسعه زندگی امروز ما خیلی وابسته به تصمیمات آنها شده است.

نرخ دلار در کشور به رقم غیر قابل تصوری رسیده است و ما چنان گرفتار کمبود دلار هستیم که از صندوق بین المللی پول تقاضای وام کرده ایم و سرنوشت همین وام هم به رفتار آمریکا و متحدانش وابسته شده است.

ما بر اساس مدل توسعه خودساخته به دنبال عدم وابستگی بودیم اما رئیس سازمان برنامه و بودجه می گوید به وضعیتی رسیدیم که نه تنها در برابر غذا که در برابر دارو هم نمی‌توانیم نفت بفروشیم.

در شناخت قدرت های جهانی درست عمل نکردیم و نزدیکی ما به چین و روسیه نیز تا کنون بی نتیجه بوده است. فکر می کنیم رابطه با چین و روسیه؛ می تواند بعنوان ضربه‌گیر تحریم ها برای ماعمل کند اما دیدیم که چنین نشد و روابط مشترک بین ما با این دو کشور انگیزه آنها در کمک اقتصادی به ایران را بالا نبرد و آنها نیز بر اساس منافع سیری ناپذیر کشور خود با ما رفتار کردند.

تراژدی خودکشی کودک یازده ساله: مسئله ای فردی یا اجتماعی؟!

دکتر رسول هاشمی



خودکشی و مرگ کودکی یازده ساله در شهرستان کوچکی مانند "دیر" باعث بهت و حیرت فراوان شد. پیشتر اخبار و گزارش هایی رسمی و غیر رسمی از کاهش سن اعتیاد، فحشا و دیگر نابهنجاری های اجتماعی هرازگاهی در رسانه ها منتشر می شد اما حالا متاسفانه با پدیده خودکشی نوجوانان و کودکان هم مواجهیم که نشان می دهد سن ارتکاب در این قبیل آسیب ها نیز پایین آمده است و این زنگ خطری برای کل مردم و متولیان جامعه است که هرچه سریعتر نسبت به بازگرداندن ثبات و آرامش در جامعه اقدام کنند.

در برخورد با هر نابهنجاری و اتفاقات ناگوار مانند خودکشی می توان به دو گونه به موضوع نگریست: نخست این که آن واقعه را موضوعی فردی تلقی کنیم و به سادگی از کنار آن بگذریم و دوم این که آن را پدیده ای اجتماعی در نظر بگیریم و سعی کنیم علل و زمینه های اجتماعی این واقعه را دریابیم. پدیده خودکشی مورد تحلیل های متعدد روانی و اجتماعی قرار گرفته است. یکی از کارهای علمی معروف کاری است که دورکیم در کتاب خودکشی انجام داده است. دورکیم نشان داده است که خودکشی هر چند در نگاه نخست موضوعی فردی و شخصی به نظر می رسد و این که فرد بخواهد به حیات خود خاتمه دهد تصمیمی شخصی است اما اگر درست بنگریم پدیده ای کاملا اجتماعی است و برای تبیین آن می بایست ازعوامل اجتماعی استفاده کرد. دورکیم برای تبیین پدیده خودکشی به آمار و ارقام و تحلیل های اجتماعی دست زد و در آن مناسبات فرد و اجتماع و انسجام اجتماعی را مورد مطالعه قرار داد. با این وجود برای این که یک حادثه مسئله اجتماعی تلقی شود نیازی به کثرت و تعداد آن نیست حتی وقوع یک مورد، شدت، نوع و اهمیت آن هم می تواند دال بر مسئله اجتماعی باشد و برای حل ان باید راهکارهای اجتماعی اندیشیده شود.

به نظر می رسد در سالهای اخیر در اثر تحریم های اقتصادی و محدودیت های ناشی از شیوع بیماری کرونا، بحران های اقتصادی و اجتماعی افزایش پیدا کرده است و در این میان اقشار تهیدست و کم بضاعت به دلیل کمبود منابع درآمدی در مقابل شوک های اقتصادی مانند تورم های لجام گسیخته بیماری و حوادث طبیعی آسیب پذیرتر هستند. این نوع خودکشی در تقسیم بندی دورکیم از انواع خودکشی ناشی از نابسامای های اجتماعی قرار می گیرد و نشان می دهد که چگونه ضربه های ناشی از بحران های اقتصادی و اجتماعی همه اعضای خانواده را هم درگیر می کند. در بازخوانی داستان خودکشی کودک یازده ساله نقش عوامل اجتماعی آشکار است. کودک از برقراری ارتباط با معلم و کلاس درس به خاطر نداشتن گوشی یا تبلت مناسب نگران و مضطرب است. احساس طرد و انزوای اجتماعی را می توان در پناه بردن او به دامن مادر دید. برای خاتمه دادن به چنین وضع فلاکت باری که کودک احساس می کند که در آن گرفتار شده است و خوب آن را می فهمد خودکشی را راهی برای گریز از آن می بیند. این کودک احتمالا اخبار و اطلاعاتی هم از خودکشی در محیط اجتماعی دور و نزدیک خود دریافت کرده است.

افزایش آسیب های اجتماعی مانند خودکشی در جنوب استان بوشهر بعد دیگری نیز علاوه بر جامعه ایرانی دارد و آن تغییرات در ساخت جامعه سنتی در اثر فعالیت ها و استقرار صنایع نفت و گاز و مهاجرت های گسترده به این مناطق است. مهاجرت گسترده جمعیت غیر بومی و از میان رفتن بافت سنتی و فرهنگ بومی این دیار زمینه بروز اسیب های اجتماعی را تشدید کرده است. در مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است افزایش شدید آسیب های اجتماعی هویدا است.

در اخر این که این حادثه فجیع به روشنی نابرابری در سطح جامعه و به طور خاص در نظام آموزشی را نشان داد. بوردیو جامعه شناس فرانسوی معتقد است نظام آموزشی علی رغم تعریفی که از کارکرد آن در جوامع مدرن ارائه می شود موجب افزایش و تداوم نابرابری بین نسل ها می شود. به نظر می رسد این نابرابری در نظام آموزش ایران علاوه بر ابعادی که قبلا داشت بعد جدید نیز پیدا کرده است و آن حضور در کلاسهای مجازی است که لازمه آن تجهیزات و وسایلی است که به دلیل افزایش نرخ ارز و گران بودن فوق العاده آنها بسیاری از اقشار تهیدست و کم بضاعت قادر به فراهم کردن آن برای فرزندان خود نیستند. تورم شدید سالهای اخیر تاثیرات زیادی بر خانواده های ایرانی داشته است و همان طور که اثرات ناشی از جنگ تحمیلی سالها جامعه ایران را درگیر کرده است اثرات تحریم های اقتصادی که نوعی جنگ اقتصادی است تا نسل ها جامعه ایران را متاثر خواهد ساخت.

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

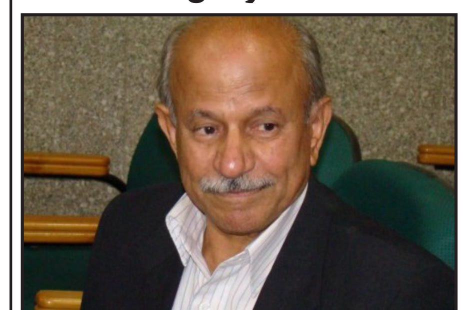
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



گرگو نامه

سفر عشق



جعفر حمیدی

گرگو جگر شیر بخواهد سفر عشق
صد دفتر تدبیر بخواهد سفر عشق
گر در سفر عشق و وفا پای گذاری
آیینه ی شبگیر بخواهد سفر عشق
*
گرگو سفر عشق، ره دور و درازی است
آنکس که ره عشق رود، محرم رازی است
در عشق نه جای سخن و حرف و تمناست
جایی است که هر سوخته مشتاق نیازی است
*
گرگو سخن عشق، برازنده تر از عشق
آوارگی عشق، فرازنده تر از عشق
از عشق سخن گفتن و از عشق شنیدن
شیداتر و زیباتر و طنازتر از عشق
*
گرگو همه جا صحبت عشق است و کتاب است
هر چند که شالوده ی اوهام، بر آب است
تا چشم خرد باز کنی، عمر گذشته است
بیهوده دل غم زده اندر تب و تاب است
*
گرگو ایروزا خنده و لبخند دروغن
شیرینی هر شکر و هر قند دروغن
هر قصه که بنیاد کنی دشمن جان است
حتی سخن حیله و ترفند، دروغن
*
گرگو کمرا خم شده از درد گرونی
صد دیده پر از نم شده از درد گرونی
انگار که بازار شده دشمن جونی
وضع همه در هم شده از درد گرونی
*
گروگو قدیما، دل ره و رسم دگری داشت
در سینه چو آتشکده بزم دگری داشت
هر خانه پر از شادی و لبخند پدر بود
مادر خوش و خوشحال که دختر پسری داشت
*
گویند که هر رنج و مشقت کرونایی است
نابودی هر گنج محبت کرونایی است
گرگو کرونا گر برود پس به که گوییم؟
شعر من و گرگو به حقیقت کرونایی است

بیاد خادم ورزش بوشهر

منوچهر حیدریان



این روزها مصادف با پنجمین سالروز در گذشت محمد جواد سیار یکی از بنیان گذار ان تربیت بدنی مدرن در استان بوشهر است.

شادروان سیار اولین مدیر تربیت بدنی بوشهر، در سال ۱۳۳۷کار احداث نخستین ورزشگاه مدرن ورزشی را در بوشهر شروع و در سال۱۳۳۹بنای آن را تکمیل کرد.زنده یاد سیار با همت و تلاش بسیار اراضی مورد نیاز استادیوم را تحصیل و عملیات اماده سازی زمین و احداث بناهای ورزشگاه را با تلاشی مضاعف به اتمام رسانید. او که خود ورزشکار و فوتبالیست نیز بود این ورزشگاه را بادستان تقریبا خالی احداث نمود به نحویکه برای تکمیل عملیات ساختمانی ورزشگاه از پدر خود شاد روان محمد علی سیار مساعده مالی گرفت و علاوه بر ان برای تامین مالی سایر هزینه ها در دبیرستان سعادت بوشهر با همکاری زنده یاد منوچهر اتشی مبادرت به برگزاری تیاتر و اجرای نمایش رستم و سهراب و بیژن و منیژه نموده و از راه بلیط فروشی بخش دیگری از هزینه های احداث ورزشگاه را تامین نمود. شرح کامل تلاشهای زنده یاد محمد جواد سیار که قطعا در این مقال نمی گنجد، به قدری جذاب و جالب است که می توان در باره ان کتابی نوشت مردم استان و به ویژه شهر بوشهر باید همیشه قدر دان محمد جواد سیار و امثال او باشند. او بر گردن مردم بوشهر حق زیادی دارد.

بیانیه جمعی از اعضای هیات علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر خطاب به روحانی:

حادثه ی غم انگیز پرپر شدن محمد، کودک دیری، یکی از پیامدهای شرایط نابسامان موجود کشور است

جناب آقای دکتر حسن روحانی
رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و احترام، چهل و یک سال پیش در این کشور، به نام مستضعفان و محرومان، انقلابی اسلامی به وقوع پیوست که محرومان و ستمدیدگان را به پایانِ بی عدالتی نوید می داد و امید را در دلها زنده می کرد. اما امروز، پس از گذشت چهار دهه از عمر انقلاب همچنان شاهد زندگی مردم در جزیره ی فقر و ادامه ی تباه شدنِ محرومان در غل و زنجیرِ فقر و فساد و تبعیض و بی عدالتی هستیم.

ما جمعی از اعضای هیات علمیِ دانشگاه خلیج فارس، نگرانی عمیق خود را از ادامه ی سیاست ها و شرایطِ کنونی جامعه اعلام می نماییم. فقر، بیکاری، تورم لجام گسیخته، فساد، تبعیض و بی عدالتی، بنیان های اجتماعی و فرهنگی جامعه ی ایرانی را هدف قرار داده است. حادثه ی غم انگیز پرپر شدن محمد، کودک یازده ساله ی دیری، یکی از پیامدهای شرایط نابسامان موجود کشور است. سوال مردم این دیار این است که چرا خانواده ای که در چند کیلومتری یکی از کانون های بزرگ اقتصادی کشور زندگی می کند باید این چنین دچار فقر و فلاکت باشد! محمد فقط یکی از میلیونها ایرانیِ قربانیِ سیاست ها و مدیریتِ فعلی است و متاسفانه روزانه شاهد صدها اخبارِ ناگوار این چنینی در کشور هستیم. اخباری که شنیدنش دل هر انسان آزاده ای را به درد می آورد و اگر مسلمانی آن را بشنود و از دردش بمیرد رواست.

ما دلایلِ اصلی فقر جامعه ایرانی را سیاستهای نادرست اقتصادی و عمیق تر شدنِ شکافِ میانِ مسئولین و مردم می دانیم. امروز، بازگشت به مردم و مردم گرایی، هم مطالبه مردم و هم لازمه و پشتوانه ی استمرار نظام است. ما نگرانیم که ادامه ی این شرایط اقتصادی و اجتماعی، باعث طغیان خشم های فرو خفته ی توده های مردم شود که آن گاه نه از تاک نشانی ماند و نه از تاک نشان.

سرچشمه شاید گرفتن به بیل، چو پر شد نشاید گذشتن به پیل.

اگرچه بسیاری از مشکلاتِ موجود در استانِ بوشهر نیز مشابه مشکلاتی است که در سایر نقاط کشور وجود دارد و وابسته به تصمیماتِ کلانِ ملی است، اما این استان برای پیشرفت و توسعه نیازمند مدیرانی شایسته است. این جا لازم است صَنایع بزرگِ موجود در استان، صنایع بزرگ نفت و گاز، مجتمع های پتروشیمی و پالایشگاهی مستقر در استان به نحو مناسبی به ایفای مسئولیت اجتماعی خویش بپردازند. توجه و اهتمام جدی به توسعه ی اقتصادی استان زرخیز بوشهر و تشکیل صندوق توسعه ی استانی از محل بخشی از درآمدهای حاصل از این استان از جمله نفت، گاز، صنایع پتروشیمی، گمرک و دریا، از مطالباتِ جدی ماست که امیدواریم تدابیر شایسته ای در این خصوص اندیشیده شود.

در پایان، ضمن اعلام آمادگی برای هرگونه کمک به رفع دغدغه های مردم، از همه تلاش هایی که منجر به رضایت مردم شود استقبال کرده و برای دولتِ محترم تدبیر و امید آرزوی توفیق می نماید.

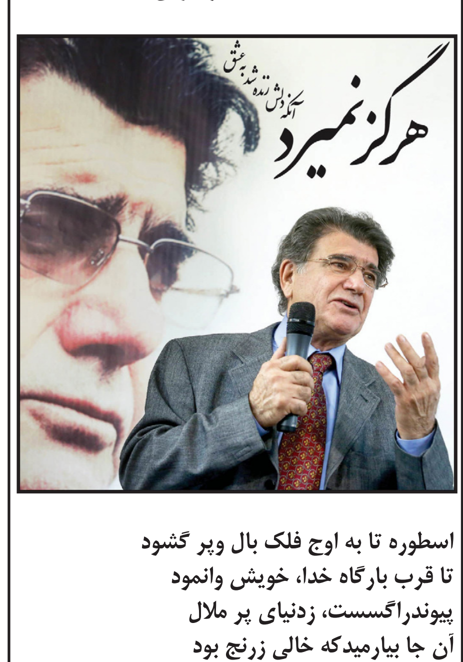
با احترام – جمعی از اعضای هیات علمی دانشگاه خلیج فارس

۱. آذری احمد – ۲. آذین رضا – ۳. آورا عبداله – ۴.احمدپور فاطمه – ۵.الهیاری حسن – ۶. باقری بردی علی – ۷. باقری دارا – ۸. بحری خداداد –۹. بحرینی زاده منیژه –۱۰. پارسا حجت –۱۱.پاکیزه علی –۱۲.تخته فرخنده –۱۳. تماری اسماعیل –۱۴.جوکار مهناز –۱۵. حاجیانی پرویز –۱۶. حسین پور عبدالکریم –۱۷. حسینی سیدجواد –۱۸. حمیدیان پور فخریه –۱۹.حیدری ابراهیم –۲۰.حیدری جهانگیر –۲۱.داودی رضا –۲۲.رسولی سعید –۲۳.رسولی علی –۲۴. رضایی لیلا –۲۵.ستوده ابراهیم –۲۶. شرف دینی رضا –۲۷.شیرزادی احمد –۲۸.صابری داریوش –۲۹. صادقی پور حمید رضا –۳۰.صنعتی علی محمد –۳۱. عباسی عباس –۳۲.عطایی علیرضا –۳۳. علوی سهیلا –۳۴. گلستانه سید موسی –۳۵. لک فضل اله –۳۶. محمدی خسرو –۳۷.محمدی زاده محمدرضا –۳۸. مرشدی وحید –۳۹. منصوری سید رضا –۴۰.منصوری مقدم محمد –۴۱.نفیسی محمود –۴۲.یزدان پناه طاهر.

به یاد خسرو آواز ایران

پیشکش به جان شیفته و آزاده و جاودانه مرد آواز ایران محمدرضا شجریان

عبدالمجید زنگویی

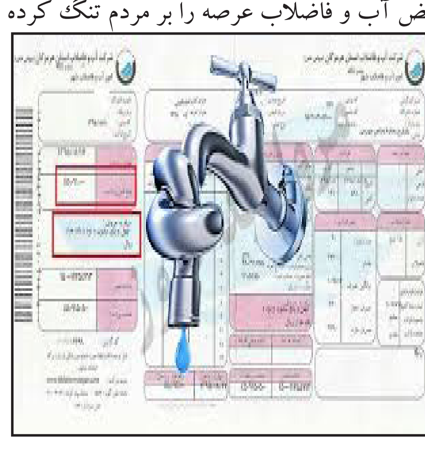


اسطوره تا به اوج فلک بال وپر گشود
تا قرب بارگاه خدا، خویش وانمود
پیوندراگسست، زدنیای پر ملال
آن جا بیارمیدکه خالی زرنج بود
وقتی سفیر و خسرو آواز پر گشود
یاران رقم زدند ترانه، غزل، سرود
ملت عزاگرفت چو پرواز دوست دید
کشور به غم نشست چو اخبار را شنود
آوازه خوان پرهنری درهوای عشق
آفاق را قدم زد و محبوب را ستود
دستان سرای عشق شدی در شبان تار
آوازه تا به عرش رساندی به صد نمود
آواز را به عرش رسانید و کهکشان
آن جا که عرشیان همه گفتند: صد درود
کشور زرفتنت چه هماهنگ رخ نمود
وقتی که شادمانه گرفتی ره خلود
***
با (مرغ سحر)، خسرو آواز برفت
پر درد از این جهان پر راز برفت
دنیای هنر اگرچه ماتم زده کرد
زین ملکت غصه ساز ناساز برفت

قبض‌هایی که قبض روح می‌کنند

مرتضی خضری

قبض‌های اداره آبفای گناوه دیدن دارد. قبض‌ها، عده‌ای را قبض و عده‌ای را قبض روح کرده‌اند. چند وقتی‌ست در حوزه آبفا قبض‌های غیر متعارفی به دست مشترکین می‌رسد. رقم قبض‌ها نه تصاعدی‌ست و نه تصادفی. چند برابر شدن مبلغ قبض آب و فاضلاب عرصه را بر مردم تنگ کرده



است.

بعضی از مشترکین که حوصله کاغذ بازی‌های اداری را ندارند به اجبار و ناچار، قبض را پرداخت می‌کنند اما عده‌ای که توان پرداخت ندارند راهروهای اداره آبفا را طی می‌کنند شاید اندکی از حقشان را بگیرند.

این اشکالات از کجا پیدا شده است و چرا کسی داد مردم را نمی‌ستاند؟

پیمانکار آبفای گناوه که مسئولیت خوانش قبض‌ها را نیز به عهده دارد باعث و بانی اصلی این مبالغ نجومی‌ست.

اگر ماموربن قرائت اشتباه کرده‌اند چرا اداره آبفا تصحیح نمی‌کند؟

آیا امکان دارد دست همه در یک کاسه باشد؟

یکی از اتفاقات نادر در آبفای گناوه هزینه‌ای‌ست که بعضی افراد به دلیل نیاز به آب و به ناچار جهت توسعه شبکه انجام می‌دهند. توسعه شبکه وظیفه اداره آبفاست اما عدم رسیدگی و نوبت‌های بی‌حساب و کتاب باعث شده است تا در بعضی موارد مردم هزینه توسعه شبکه را هم پرداخت کنند.

محمدی رئیس آبفای گناوه تمام قد از پیمانکاری دفاع می‌کند که اشتباهاتش در خوانش قبض‌ها مشکوک است و به احتمال فراوان عمدی در کار است.

این تخلفات بدون دیدن کدخدا امکان پذیر نیست. چرا فرمانداری صدای مردم را نمی‌شنود، آیا می‌شنود؟/ یاران سبز

زنگ هشدار خودکشی پی در پی در استان بوشهر



احمدرضا ونکی: طی دو هفته اخیر سه خودکشی در سطح استان بوشهر رخ داده است. خودکشی اول دیر، کودک ۱۱ ساله، خودکشی دوم کنگان، کودک ۱۵ ساله،خودکشی سوم جم، نوجوان ۲۱ ساله.

اگر چه از علت و انگیزه خودکشی سوم هنوز خبری در دست نداریم ولی بی شک دو خودکشی دیر و کنگان در ارتباط معنادار با فقر و آسیب های ناشی از آن واقع شده است. ادامه دار شدن روند خودکشی دو موضوع را قابل بررسی می نماید:

اول این که عدالت اجتماعی در بعد اقتصاد و فرهنگ با موفقیت رو به رو نبوده است. خودکشی هم مثل بزهکاری ناشی از یک علت نیست و دارای عوامل بیولوژیک، سایکولوژیک و سوسیال می باشد. و انگیزه ها نیز مختلف هستند.

دو کودک و نوجوان دیری و کنگانی را در نظر بگیرید که در وضعیت مالی خوبی به سر می برند، برای کسب تحصیل با مشکلی رو به رو نیستند، عصرها برای فرا گرفتن ورزش به صورت حرفه ای فعالیت می کنند و از تفریح و شادی به اندازه کافی برخوردارند. مورد آموزش های رشد مدار قرار گرفته اند و عزت نفس دارند.

و در نقطه مقابل: دو کودکی را در نظر بگیرید که تمام تابستان در گرمای طاقت فرسای جنوب از کولر محروم بوده، برای تحصیل حتی یک گوشی مناسب در کل خانواده ندارد، محیط خانه چندان شاد نیست و درگیر مشکلات مالی هستند، یا پدر به زندان رفته و مجازاتش اعدام است، نوجوان ترک تحصیل کرده، و مجبور به کار و تحمل آسیب های پیرامونی است.

آیا این دو کودک در مواجهه با انحرافات و آسیب های اجتماعی در یک سطح از توانمندی برای مقابله قرار دارند؟

انکار آسیب ها در اجتماع مانع از چاره اندیشی برای مرتفع نمودن آن ها است. خودکشی جرم نیست اما یک انحراف اجتماعی تلقی می گردد.

گابریل تارد می گوید جرم مد می شود و در روند یادگیری اجتماعی قرار می گیرد. زمینه که مهیا باشد مد شدن انحرافات اجتماعی برای خلاصی از مشکلات و بحران های زندگی در دسترس ترین و راحت ترین راه است آن هم برای کودک و نوجوانی که در ابتدای مسیر رشد قرار دارد و از پختگی لازم برخوردار نیست.

در بحث نظریه فشار مرتن بخشی از جامعه آنومیک را انزواگرایانی هم چون معتادان کارتن خواب تشکیل می دهند اما ظاهرا در جامعه آنومیک ما دسته ای دیگر باید به ۵ دسته شناخته شده مرتن الحاق گردند.

بله خودکشی جرم نیست بلکه یک انحراف اجتماعی است و بدترین خشونتی است که یک انسان می تواند بر علیه خود به کار بگیرد. فشارهای اقتصادی، فقد برنامه های رشد نگر و رشدمدار از گذشته تا کنون، افسردگی محیطی که شرایط پیرامونی بیماری کرونا آن را مزید بر علت شده ، درگیری ناخواسته کودکان در مسائل مربوط به بزرگترها و روند رو به رشد نا امیدی بخشی از عوامل موثر بر خودکشی در این روزها می تواند باشد.

درد ها و آسیب ها مکتوم نیستند و حتی با شناخت آسیب ها نیاز به بیان راه کار نیست.

آفتاب آمد دلیل آفتاب؟

در روز با چراغ به دنبال چه می گردیم؟

منبع: داد خبر

شادروان "نامجو زحمتکش" خبرنگاری مطالبه‌گر و با اخلاق

هنوز جراحت اندوه و غم انبوه فراق همکار سفرکرده غلامعلی قاضی‌زاده بر شانه‌های خویش به یادگار داشتیم، که ناباورانه در غم کوچ زودهنگام همنفسی دیگر نشستیم ...

و چه سخت خبری بود خبر پرواز همکار نازنین‌مان "نامجو زحمتکش" که در عرصه رسانه از عشاق شغل و حرفه شریفش بود و در عرصه جامعه، انسانی مطالبه‌گر و با اخلاق.

غمگنانه باید به اطلاع برسانیم که در این پاییز غم‌انگیز، برگی دیگر از شاخه تنومند جامعه رسانه‌ای استان بوشهر فرو افتاده است، تا فرداروزی دیگر بهاری نورس قد بکشد و باغی بارآور بشکوفد و کلماتی سبز بروید و اخباری خوشگوار به تحریر در آید.

دریغاگو و تسلیت‌گوی غم و اندوه مرگ نابهنگام همکار نازنین‌مان "نامجو زحمت‌کش" هستیم و در مسیر شکوفایی و رستن امیدها و آرزوهایش چراغ یاد و راهش را همچنان فروزان نگاه می‌داریم.

امید و آرزوهایی که اینک در انبوه کلمات بر جای مانده از او شعله‌ور است.

یاد و خاطره‌های خوبش همراه با ماست.

خانه مطبوعات و رسانه‌های استان بوشهر

مرگ ناگوار خبرنگار



متاسفانه نامجو زحمت کش خبرنگار بردخون و از فعالان رسانه ای استان بوشهر، بر اثر سانحه تصادف درگذشت.

درگذشت ناگهانی این خبرنگار دلسوز، فعال و متعهد به انعکاس مشکلات مردم را خدمت خانواده داغدارش و اصحاب رسانه تسلیت عرض می کنیم. بی شک نام نیکش در مسئولیت پذیری و دغدغه اش برای پیگیری مشکلات و مسائل منطقه و مردم در یادها باقی خواهد ماند.

هر مرگ اشارتی ست به حیاتی دیگر

خبر اسفناک درگذشت همکار سابق در کتابخانه عمومی بردخون و عضو فعلی انجمن کتابخانه های عمومی بخش بردخون اندوه و غمی بر دل های مان نشاند. شادروان نامجو زحمتکش پس از ۱۲ سال خدمت صادقانه در کتابخانه عمومی بردخون و ادامه خدمت در آموزش و پرورش همواره در پیشبرد اهداف فرهنگ کتاب و کتابخوانی شهرستان دیر گام های موثر و ماندگاری برداشته و بی شک نام و یادشان در ذهن فرهنگ دوستان این دیار جاودان خواهد بود. این ضایعه اندوهناک را به بازماندگان و جامعه فرهنگی تسلیت گفته و آرامش روح آن عزیز سفرکرده را از درگاه حضرت احدیت خواهانیم.

انجمن کتابخانه های عمومی شهرستان دیر
کتابخانه های عمومی شهرستان دیر

«انا لله و انا الیه راجعون»

خبر تاسف بار درگذشت فعال رسانه ای و فرهنگی استان بوشهر و شهر بردخون جناب آقای نامجو زحمتکش موجب تاسف و تاثر فراوان گردید.

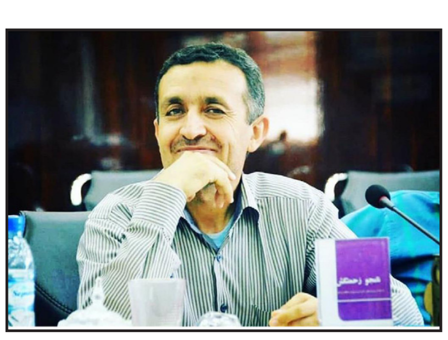
مرحوم زحمتکش سالها خالصانه زبان گویای مردم بردخون بود و همواره در فعالیت های فرهنگی و رسانه ای خود دغدغه مشکلات و کمبودهای این دیار را داشت.

فقدان آن عزیز از دست رفته برای مردم بردخون و رسانه های استان بوشهر اندوهی سترگ را به بار آورده است.

اینجانب به نوبه خود درگذشت مرحوم نامجو زحمتکش خبرنگار فداکار و متعهد بردخونی را به خانواده ایشان، مردم بردخون و اهالی رسانه استان بوشهر تسلیت عرض نموده و برای بازماندگان آن مرحوم صبر و بردباری مسالت دارم.

مجید خورشیدی
معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر

و بشر الصابرین الذین اذا اصابتهم مصیبه قالو انا لله و انا الیه راجعون



مشیت الهی بر این تعلق گرفته که بهار فرحناک زندگی را خزانی ماتم زده به انتظار بنشیند و این، بارزترین تفسیر فلسفه آفرینش درفراخنای بی کران هستی و یگانه راز جاودانگی اوست و ترجمان معنی مرگ، حضور جاودانه انسان در محضر حق است که از پیشگاه او آمده ایم و باید که در آستان او نماز عشق رابه جا بیاوریم.

خبر درگذشت مرحوم نامجو زحمتکش، از فعالان تاثیر گذار رسانه ای در بخش بردخون و همین طور شهرستان دیر و از فرهنگیان با سابقه بردخون، موجب تأسف و تألم شد.

امروز اهالی رسانه، فرهنگیان و همچنین مردم قدرشناس بردخون در غم از دست دادن جوانی دغدغه مند و کوشا به سوگ نشسته‌اند.

اینجانب درگذشت این خبرنگار گرانمایه و فرهنگی عزیز را به همکاران رسانه ای و فرهنگی ایشان، اهالی فرهنگ، هنر و مطبوعات استان بوشهر،مردم قدرشناس بردخون و خانواده داغدار آن عزیز از دست رفته تسلیت عرض کرده و برای آن مرحوم رحمت واسعه و غفران الهی خواستارم.

علی اخلاقی – بخشدار بردخون